

## یادداشت

## ترکیب بازاردنگی و عملگرایی



اعظم ملایی

پژوهشگر روابط بین الملل

«حمله نظامی ایران به رژیم اسرائیل»! این عبارتی است که اگر جندی پیش آن را می شنیدیم گمان می بردیم شد آنچه نباید می شد؛ جنگی منطقه‌ای و چه بسا جهانی آغاز شده تا خاورمیانه و خلیج فارس را به یک وضعیت آخرالزمانی نزدیک کند و به دوره جدیدی از ائتلاف سازی ها و بلوک بندی ها و البته جنگی فرسایشی شکل دهد؛ اما چنین نشد. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به حمله اول آوریل رژیم اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه، پیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد روانه سرزمین های اشغالی کرد تا یک پیام روشن به اسرائیل بدهد؛ از این پس دیگر می‌زنیم؛ آن هم نه از طریق نیروهای جبهه مقاومت، بلکه مستقیم از خاک مان به سرزمین های اشغالی! حمله ایران به اسرائیل که به روایت رسانه های غربی «بی سابقه» و به زعم مقامات کشور خودمان «محدود» و «هدفمند» بود، از جهات مختلفی قابل تحلیل است. در درجه نخست هدف این حمله «بازاردنگی» و «نمایش قدرت و امکانات» بود؛ در چند سال گذشته رژیم اسرائیل بارها به مواضع و نیروهای ایران در کشورهای منطقه حمله کرده و جز نابودی تجهیزات لجستیکی، بسیاری از مستشاران و فرماندهان نظامی ایران را نیز که به صورت قانونی در کشورهای منطقه حضور دارند را به شهادت رسانده است؛ سیاست ایران تا پیش از ۱۴ آوریل، صبر استراتژیک و بیشتر تلافی و بازاردنگی به صورت غیر مستقیم بود؛ اما گستاخ تر شدن رژیم اسرائیل و حمله به یک مکان دیپلماتیک و دارای مصونیت بین المللی، ایران به این جمع بندی رسید که باید رویه خود را تغییر داده و به بازاردنگی مستقیم در برابر این رژیم بپردازد. با این وجود در این مسیر موانع بسیاری پیش رو بود. از یکسو دولت راستگرای نتانیاهو در پاتلاق جنگ غزه گرفتار شده و به تدریج حمایت های بین المللی خود برای تداوم این جنگ را از دست می دهد، در نتیجه چشم انتظار فرصتی است تا خود را از این مهلکه برهاند و با فرآیند کردن جنگ، بار دیگر به سمت سیاست مظلوم نمایی و جلب کمک ها و حمایت های بین المللی بازگردد. از سوی دیگر، حتی بعد از حمله اسرائیل به کنسولگری ایران، کشورهای غربی به ویژه آمریکا و ژوئیکای اروپایی، بر اساس سیاست سنتی خود، به حمایت از این رژیم ادامه دادند و نه تنها جلوی صدور هر نوع قطعنامه ای را در شورای امنیت علیه این رژیم گرفتند، بلکه با موضع گیری های رسمی و غیررسمی خود به ایران اطلاع دادند که در هر مقابله احتمالی، پشت اسرائیل خواهند بود. در چنین شرایطی، به نظر می رسد هدف ایران طراحی یک حمله ویرانگر و پرتلفات که به نتانیاهو فرصت مظلوم نمایی و توسعه جنگ را بدهد و پتانسیل تحریک افکار عمومی جهانی را داشته باشد، نبوده؛ بلکه هدف صرفا بازاردنگی و نمایش قدرت بوده است. از این منظر با نمایش بر تعداد موشک ها و پهپاد های ایران در آسمان اسرائیل که به گفته خبرنگار بی بی سی در فاصله بسیار نزدیکی به زمین قرار داشتند و باعث رعب و وحشت فراگیر در بین ساکنان سرزمین های اشغالی شدند، ایران به خوبی به هدف خود دست یافته است. ضمن اینکه نگه داشتن حمله در این سطح (بدون تلفات)، سبب کنترل تنش ها در منطقه گردید و شرایط را به گونه ای مساعد ساخت که آمریکا بتواند جلوی زیاده خواهی اسرائیل در پاسخ به حمله ایران را بگیرد و اعلام کند در واکنش تلافی جویانه احتمالی تل آویو مشارکت نخواهد کرد. بر این اساس به نظر می رسد رویکرد تصمیم گیران ایران در نوع حمله به اسرائیل، دارای بن مایه های قوی عملگرایی و توجه به مقدرات و محدودرات داخلی و بین المللی کشور بوده است. مسأله مهم دیگر در رابطه با این حمله، نحوه مواجهه رژیم اسرائیل با آن است؛ مقامات این رژیم در رجزخوانی های تبلیغاتی خویش مکررا بر این نکته تأکید می کنند که ۹۹ درصد موشک های ایرانی را ردیابی و منهدم کرده اند؛ به فرض اینکه چنین ادعایی صحیح باشد چند نکته قابل تأمل پیرامون آن وجود دارد. نخست اینکه طبق گفته وزیر امور خارجه کشورمان، ایران از ۷۲ ساعت پیش از حمله، زمان عملیات علیه اسرائیل را به کشورهای منطقه به ویژه آنها که میزبان پایگاه های آمریکا هستند، اطلاع داده بود؛ اقدامی که ظاهرا هدف آن انتقال خبر به آمریکا و ممانعت از درگیر شدن این کشور در جنگ از طریق پایگاه های نظامی اش در منطقه بوده است. بنابراین رژیم اسرائیل و متحدانش به طور کامل از زمان دقیق حمله ایران مطلع بوده اند و جای شگفتی نیست که با بالابردن همه سطوح امنیتی، آمادگی کاملی برای مواجهه با حملات ایران داشته اند. اما نکته جالب تر این است که با وجود اطلاع از زمان حمله ایران و با هزینه های هنگفتی که رژیم اسرائیل برای گنبد آهنین و تجهیز نظامی خود انجام داده، باز هم نتوانست به نتایجی از عهده مقابله با ایران برآید و چتر حمایتی فراگیر و همزمان آمریکا، انگلیس، فرانسه واردن بود که این رژیم را از زیر ضربات کوبنده موشک ها و پهپاد های ایرانی نجات داد. وابستگی نظامی - دفاعی رژیم اسرائیل به همیمانانش در حالی است که بودجه نظامی این رژیم در سال ۲۰۲۳، ۳۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۴، ۳۷ میلیارد دلار (بدون احتساب کمک های نظامی و مالی آمریکا) بوده است. مقایسه این هزینه ها، با بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران آنکه در سال ۱۴۰۲، ۵، ۵ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۳، ۶، ۶ میلیارد دلار است، به خوبی ضعف پایه ای رژیم اسرائیل و تفاوت بین قدرت بومی و درون زا و قدرت عاریتی را نشان می دهد. اما فراتر از اسرائیل، حمله ۱۴ آوریل برخی نکات در رابطه با کشورهای منطقه را نیز روشن ساخت. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به روال سابق خویش، موضعی محافظه کارانه در قبال این حمله در پیش گرفتند. در پی اخطار ایران مبنی بر احتمال حمله به پایگاه های منطقه ای آمریکا در صورت مداخله مستقیم این کشور، تنها قطر و کویت اقدام به بستن حریم هوایی خود کردند. شورای همکاری خلیج فارس و البته در رأس آن، عربستان سعودی به صورت خاص تنها بر اهمیت خویشن داری جهت حفظ امنیت و ثبات منطقه ای و جهانی تأکید کردند؛ موضعی که با توجه به سابقه این کشورها در دشمنی با ایران، به نسبت قابل قبول تلقی می شود.

مصطفی اقلیمادر گفت وگو با «آرمان ملی»:

## شهرداری در این دوره چه اقدام مثبتی انجام داده است؟

شهرداری تهران به اندازه ای کار دارد که نیاز به این همه جنجال نداشته باشد

زاکانی به دنبال این است که اسمش مطرح باشد



آرمان ملی - احسان انصاری: حاشیه های ساخت مسجد در پارک قیطریه باعث شده تا این موضوع دوباره مورد توجه جامعه قرار بگیرد که رسالت اجتماعی شهرداری ها چیست و آیا شهرداری تهران در راستای وظایف و رسالت اجتماعی خود عمل می کند؟ از سوی دیگر به نظر می رسد شهرداری تهران در زمینه اولویت بندی مسائل اجتماعی با چالش مواجه است و به همین دلیل نیز اقداماتی انجام می دهد که در راستای خواسته های مردم تهران نیست. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر مصطفی اقلیما، جامعه شناس گفت وگو کرده است. اقلیما معتقد است: شهرداری تهران خود در ایجاد این نابرابری نااندره ای سهم داشته است چرا که در توزیع امکانات و منابع مالی در مناطق مختلف تهران عدالت و برابری را رعایت نکرده است. در حالی که شهرداری برای رفع شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی باید خدمات را به شکلی یکسان در همه مناطق تهران توزیع کند. توزیع ناموزون ایجاد پارک ها و فضای سبز، اختلاف قیمت فراوان در قیمت زمین های بالای شهر و پایین شهر، تمرکز امکانات ورزشی در مناطق شمالی و مرکزی تهران و تجمع رستوران ها و مراکز خرید در شمال شهر تنها گوشه ای از اقدامات شهرداری تهران است که باعث توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات در تهران شده است. در ادامه ما حاصل این گفت وگورا می خوانید.

توزیع ناموزون ایجاد پارک ها و فضای سبز، اختلاف قیمت فراوان در قیمت زمین های بالای شهر و پایین شهر، تمرکز امکانات ورزشی در مناطق شمالی و مرکزی تهران و تجمع رستوران ها و مراکز خرید در شمال شهر تنها گوشه ای از اقدامات شهرداری تهران است که باعث توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات در تهران شده است

حساب شده بوده و زمانی فرد از روستا به شهر می آید که همه امکانات نیز برای وی در نظر گرفته و مهیا باشد اما در ایران کمبود امکانات شهری و رفاهی نخستین آسیبی است که مهاجران با آن روبرو می شوند. از سوی دیگر مشکلات فرهنگی نیز در کمین این خانواده ها نشسته اند. مردی که در روستا و در خانه خود همه کاره و تصمیم گیرنده بود یکباره وارد جامعه می شود که در آن زنان و فرزندان نقش پررنگی در تصمیم گیری های خانواده دارند. بنابراین اختلاف فرهنگی ناشی از ورود به شهرهای بزرگ در کنار مشکلات معیشتی و بیکاری بر آسیب های رفتاری و اجتماعی در میان حاشیه نشینان دامن زده و شکاف زیادی با شهرنشینان ایجاد خواهد شد.

### ◀ وظیفه شهرداری درباره این مسأله چیست؟

شهرداری در این میان وظیفه دارد که با توزیع یکسان منابع و امکانات رفاهی و اقتصادی در همه نقاط شهر، شهروندان را از همه خدمات شهری بهره مند سازد و استانداردهای زندگی سالم شهری را در همه مناطق تهران فراهم سازد. تا زمانی که نگاه نابرابر به مناطق تهران و افراد ساکن در آن ها حکمفرما باشد، مشکل شکاف طبقاتی و نابرابری های اجتماعی تهران حل نخواهد شد. تمرکز و تجمع امکانات رفاهی، تفریحی و آموزشی در مناطق شمالی تهران و غلبه نگاه از بالا به پایین میان برخی از ساکنان نقاط شمالی شهر به طور حتم احساس سرخوردگی و نارضایتی در میان سایر ساکنان تقویت خواهد کرد و به نوعی بی اعتمادی را در جامعه افزایش خواهد داد. نتیجه این مسأله را در برجسب ها و توهین هایی که درگیری های فیزیکی و کلامی در سطح شهر روی می دهد، شاهد هستیم. استفاده از عبارتهایی مانند «جنوب شهری»، «بی فرهنگ» یا غیره به عنوان توهینی علیه سایر شهروندانی تلقی می شود که در مناطق مرکزی شهر به پایین سکونت دارند. توسعه موزون اقتصادی و اجتماعی شهری در کنار ایجاد تقویت و همبستگی میان شهروندان از بار روانی شکاف طبقاتی در بین شهروندان تهرانی خواهد آمد. نکته دیگر اینکه شهرداری و دولت با همکاری یکدیگر و با ساماندهی و در نظر گرفتن محدوده ها و مناطق خاص می توانند پدیده دستفروشی و سایر آسیب های اجتماعی را به طور صحیح مدیریت کنند و با این کار بار دیگر نظم و آرامش به شهرهای بزرگ به ویژه تهران بازگردد. در همه دنیا و حتی کشورهای توسعه یافته موضوع دستفروشی وجود دارد اما بیشتر کالاهای عرضه شده توسط دستفروشان بیشتر در حوزه صنایع دستی و تولیدات خانگی است که مسئولان کشور ما نیز باید با الگوبرداری از این روش ها، صنایع دستی، تولیدات خانگی و... را تقویت کرده و محل های مناسب برای عرضه و فروش آنها در نظر بگیرند و این صورت بخش شده دستفروشان به جای جذب در پاندها سعی می کنند تولیدات خود را با قیمت مناسب به شهروندان عرضه کنند.

حاشیه هایی به پا شده است. در هیچ کجای جهان شهرداری ها در ساخت مساجد دخالت نمی کنند. اصلا ساخت مسجد به شهرداری ارتباط ندارد که شهردار تهران دست به چنین کاری زده است. ما نیازمند شایسته سالاری و پاسخگویی هستیم و من امیدوارم روزی فرا برسد که اگر مدیری اقدامی انجام می دهد در مقابلش به مردم پاسخگو نیز باشد و نه اینکه هر کاری دوست داشته باشد انجام بدهد. شورای شهر باید به اقدامات شهرداری تهران ورود کند و اجازه ندهند وی هر کاری دوست داشته باشد انجام بدهد. پولی که امروز مردم گرفته می شود حق الناس است و شهرداری باید به شکلی عمل کند که در راستای های خواسته های مردم باشد و نه هر کاری که تمایل داشت انجام بدهد.

### ◀ آیا شهرداری تهران در اولویت بندی مسائل اجتماعی اولویت ها را به درستی تشخیص داده است؟

در نگاه نخست به نابرابری های اجتماعی در امور شهری باید به این پرسش که به واقع شهرداری تهران چه نقشی در ایجاد این نابرابری اجتماعی داشته، پاسخ داد. شهرداری تهران خود در ایجاد این نابرابری نااندره ای سهم داشته است، چرا که در توزیع امکانات و منابع مالی در مناطق مختلف تهران عدالت و برابری را رعایت نکرده است. در حالی که شهرداری برای رفع شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی باید خدمات را به شکلی یکسان در همه مناطق تهران توزیع کند. توزیع ناموزون ایجاد پارک ها و فضای سبز، اختلاف قیمت فراوان در قیمت زمین های بالای شهر و پایین شهر، تمرکز امکانات ورزشی در مناطق شمالی و مرکزی تهران و تجمع رستوران ها و مراکز خرید در شمال شهر تنها گوشه ای از اقدامات شهرداری تهران است که باعث توزیع نابرابر امکانات و خدمات در تهران شده است. افزایش آسیب های اقتصادی و اجتماعی به ویژه در میان مهاجران و حاشیه نشینان از دیگر دلایل وجود نابرابری های اقتصادی و اجتماعی است. این در حالی است که مهاجرت از مناطق کوچکتر به شهرهای بزرگ مسأله ای اجتناب ناپذیر بوده و در سایر جوامع نیز این پدیده وجود دارد. اما تفاوت آن با آنچه در ایران رخ می دهد این است که این مهاجرت در سایر کشورها

### ◀ شهرداری تهران در دوران علیرضا زاکانی در زمینه مسائل اجتماعی چه رویکردی داشته است؟ چرا اغلب طرح های اجتماعی شهرداری با سروصدای زیادی همراه می شود؟

مدیریت شهری نیاز به سرو صدا و جنجال ندارد و کسی که به دنبال هیاهو است اهداف دیگری را دنبال می کند. به نظر می رسد شهردار تهران نیز به دنبال این است که نامش بر سر زبان ها بیفتد. در چنین شرایطی هنگامی که برای اقدامات وی مخالفت های بیشتری وجود داشته باشد وی مشهورتر می شود. این در حالی است که شهرداری تهران به اندازه ای کار دارد که شهرداری فرصت رسیدگی به این مسائل و ایجاد هیاهو را پیدا نکند. به عنوان مثال ساخت مسجد در پارک قیطریه جزئی از وظایف شهرداری تهران نبوده که این همه جنجال به پا کرده است. سوال من این است که آقای زاکانی از زمانی که شهردار تهران شده اند چه اقدام موثری برای شهر تهران انجام داده اند؟ حتی امور روزمره و روتین شهرداری نیز با تاخیر انجام شده و مردم تهران بابت مالیاتی که بابت اقدامات به شهرداری پرداخت می کنند خدمات مناسبی دریافت نکرده اند. من هنوز متوجه نیستم چرا شهرداران زمانی که به شهرداری می رسد فکر می کند هر کاری دوست دارد می توانند انجام دهند.

### ◀ چرا چنین رویکردی در پیش می گیرند و شورای شهر و نهاد های نظارتی چه نقشی در این زمینه دارند؟

شورای شهر باید بر عملکرد شهردار نظارت کند و مانع از تصمیمات اشتباه شود. این در حالی است که در عمل چنین اتفاقی رخ نمی دهد. نوع شهردار شدن آقای زاکانی نیز نیز جای سوال دارد که چرا فردی که تخصصی در مدیریت شهری نداشته به عنوان شهردار انتخاب شده است. شهردار تهران در مرحله نخست باید به این نکته آگاهی داشته باشد که در مقابل عوارضی که از مردم می گیرد باید بر اساس خواسته مردم عمل کند و اقداماتی را انجام دهد که خواسته مردم است. مساجد همواره ساخته می شده اند و ربطی به شهرداری ندارد. آیا در گذشته مسجد ساخته نمی شده که در شرایط کنونی برای ساخت مسجد در پارک قیطریه چنین

مدیریت شهری نیاز به سرو صدا و جنجال ندارد و کسی که به دنبال هیاهو است اهداف دیگری را دنبال می کند. به نظر می رسد شهردار تهران نیز به دنبال این است که نامش بر سر زبان ها بیفتد. در چنین شرایطی هنگامی که برای اقدامات وی مخالفت های بیشتری وجود داشته باشد وی مشهورتر می شود. این در حالی است که شهرداری تهران به اندازه ای کار دارد که شهرداری فرصت رسیدگی به این مسائل و ایجاد هیاهو را پیدا نکند

## نگره

## وتوی آمریکا همه چیز را بهم ریخت

همان طور که از قبل هم قابل پیش بینی بود و مقامات آمریکایی هم اعلام کرده بودند، ایالات متحده قطعنامه عضویت دائم فلسطین در سازمان ملل را وتو کرد؛ اقدامی مسجل، اما پرحاشیه برای جویابند که خود را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می بیند. در گزارش ها به این نکته اشاره شده بود که تداوم حمایت های سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و تجاری آمریکایی ها از اشغالگران آثار مخربی را برای رئیس جمهور آمریکا به دنبال داشته است تا جایی که آمارها از احتمال شکست او خبر می دهند. با این وجود دولت بایدن تصمیم گرفت کماکان به سیاست خود مانند هفت ماه گذشته برای حمایت از رژیم صهیونیستی ادامه دهد. با وجود آنکه آمریکا مشخصا پس از عملیات طوفان الاقصی و حمایت بی سابقه صهیونیست ها در نوار غزه مدام بر طرح دو کشوری و به رسمیت شناختن فلسطین تأکید داشتند، اما واشنگتن در جلسه باامداد جمعه شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه پیشنهادی الجزایر که خواستار عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل می شد را وتو کرد. در حالی که تصویب این قطعنامه به معنای به رسمیت شناختن کشور فلسطین بود. لذا ناظران معتقدند تمام ادعاهای دولت بایدن در طول هفت ماه گذشته حول تأکید بر به رسمیت شناختن کشور فلسطینی برای برون رفت از بحران کنونی یک ژست توخالی سیاسی و دیپلماتیک و فرار رو به جلو بوده است و درست سر بزنگاه برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین و برداشتن گام عملی، آمریکایی ها نشان دادند کوچک ترین توجه و اعتباری، حتی برای گفته ها و ادعاهای خود قائل نیستند. در رأی گیری عصر جمعه شورای امنیت، ۱۲ عضو این شورا (امنیت) به قطعنامه رأی مثبت دادند و حتی آرای انگلیس و سوئیس نیز مثبت بود. مخالفت واشنگتن با قطعنامه مذکور به عنوان چهارمین وتوی آمریکا در جهت حمایت از رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ غزه است. توجه آمریکایی ها برای اقدام شان در جهت وتوی قطعنامه پذیرش دائمی فلسطین در سازمان ملل آن است که به گفته مقامات کاخ سفید، روند تشکیل کشور فلسطینی باید از مسیر گفت وگوهای بین گروه های فلسطینی با رژیم صهیونیستی و از دل توافقات بین دو طرف (فلسطینی - صهیونیستی) به نتیجه برسد و شکل گیری کشور فلسطینی از دالان شورای امنیت و سازمان ملل کمکی به حل بحران در فلسطین نمی کند.

### ◀ رشته ای که سر دراز دارد!

در کنار این دست توجهات دولت بایدن، رابرت وود، سفیر و معاون نمایندگی آمریکا در سازمان ملل هم روز پنجشنبه در واکنش به گزارش هامبری نتلاش آمریکایی را به تعویق انداختن رأی گیری روز جمعه درباره عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل و فشار بر اعضای شورای امنیت برای رأی مخالف به این قطعنامه، ادعا کرد که ما سایر کشورهای راجت فشار قرار نمی دهیم. به نوشته الجزیره انگلیسی، وود در توضیحی که به توجیه برای حمایت از صهیونیست ها داشت، ضمن کم اهمیت دانستن این تحت فشار قرار دادن کشورها، به زعم خود این سوال را پرسیده که بهترین راه برای رسیدن به راهکار دو کشوری چیست؟ نظر ما این است که این رأی گیری در حال حاضر به این هدف کمک نمی کند. اما جالب اینجاست که در دنبال وتوی پیش نویس عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد توسط آمریکا، الجزایر متعهد شد این پیش نویس را رد نگردد شورای امنیت مطرح کند. از این رو به نظر می رسد اگر دوباره ایالات متحده آمریکا تصمیم به وتوی مجدد بگیرد زمینه های سیاسی و دیپلماتیک آن برای جویابند در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به حد غیر قابل کنترلی بالا خواهد رفت. البته این احتمال می رود که در یک تقسیم وظایف شاید دیگر اعضای ثابت شورای امنیت و دارای حق وتو که به حامی اشغالگران هستند به طور مشخص شامل انگلستان و فرانسه می شود برای جلوگیری از بیشتر شدن بار دیپلماتیک وتوی مجدد آمریکا، دست به اقدام مشابه بزنند و این بار وتوی قطعنامه عضویت دائم فلسطین در سازمان ملل توسط لندن یا پاریس صورت بگیرد.

### ◀ واکنش ها

بدیهی بود که به دنبال وتوی قطعنامه الجزایر برای به رسمیت شناختن فلسطین و عضویت دائم این کشور در سازمان ملل از سوی آمریکایی ها، واکنش ها و انتقادات گسترده ای به دولت بایدن از همان نشست شورای امنیت شروع شد. کما اینکه در همین راستا عمار بن جامع، نماینده الجزایر در سازمان ملل هم با لحنی تند، «رای ندان» به عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد از یک شرم ابدی و یک اشتباه بزرگ و نابخشودنی توصیف کرد. نماینده فلسطین در سازمان ملل نیز خطاب به آمریکایی ها گفت که حق تعیین سرنوشت کشور فلسطینی، «سازش، تاخیر یا تعلیق را نمی پذیرد». زیاد ابو عمرو در ادامه، اسرائیل را یک قدرت استعماری دانست که هدف آن محو مردم فلسطین، تمدن و فرهنگ آن هاست. واسیلی نینزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل که طی هفت ماه گذشته یک دولت سیاسی با واشنگتن در شورای امنیت بر سر آینده غزه و فلسطین به راه انداخته است، با اشاره به تداوم حمایت های آمریکا، تأکید کرد که ایالات متحده چشمان خود را به روی فجایعی که در غزه، کرانه باختری و قدس شرقی در حال وقوع است، بسته است. او همچنین این اقدام آمریکا را «تلاش نامیدکننده برای توقف دوره اجدادمان ناپذیر تاریخ» توصیف کرد. چنینی ها هم، وتوی قطعنامه عضویت فلسطین در سازمان ملل از سوی آمریکا را غم انگیز خواندند. سازمان همکاری اسلامی هم با اعلام اینکه در شرایط کنونی که ملت فلسطین زیر شدیدترین انواع ظلم و تجاوز و نسل کشی قرار دارند، ناکامی شورای امنیت سازمان ملل در عمل به مسئولیت هایش در زمینه تصویب عضویت کامل فلسطین در این سازمان وتوی آمریکا را مایه تأسف شدید دانست. واکنش گروه های فلسطینی هم در خور توجه بود، همچنانی که حماس وتوی عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل را به شدت محکوم و تأکید کرد که آمریکا با اقدام خود بار دیگر نشان داد که علیه ملت فلسطین و حامی رژیم صهیونیستی است.